

Research Paper

Turkey's security goals in the Gap project and its impact on Iran

Mari Maleki*¹¹ Graduated from Mazandaran University

10.22080/JPIR.2022.23713.1291

Received:

June 11, 2022

Accepted:

October 6, 2022

Available online:

November 8, 2022

Keywords:Security ,Iran,Turkey ,
gap.Copenhagen school

Abstract

By implementing the Gap dam project on the Tigris and Euphrates rivers, Turkey has the exclusive right to use it and controls the water flowing to the downstream countries. This factor has the dissatisfaction of these countries and has created problems, especially in terms of security, for the neighboring countries. Considering the effects of the GAP project exploitation on the downstream countries, the article raises the question, what political and security goals does Turkey pursue in the construction of GAP project dams? And what effect will the construction of these dams have on Iran's security? With a research approach and using the Copenhagen school, the article has taken into account the assumptions that the GAP project has changed its nature over several decades according to the declared policies of Turkey and has turned from a technical and development tool into a security issue. By exploiting this dam, Turkey is pursuing hegemonic goals, taking control of the Kurds in the region, and also seeking to exchange oil and water in the region. Also, the effects of this project on Iran can be mentioned as jeopardizing identity security, environmental hazards, soil salinity, and food and agricultural security, which are discussed in the article

***Corresponding Author:** Mari Maleki**Address:** Graduated from Mazandaran University**Email:** marimaleki67@gmail.com

علمی

اهداف امنیتی ترکیه در پروژه سدسازی گاپ و تأثیر آن بر ایران

ماری ملکی^{۱*}

^۱ دانش آموخته کارشناسی ارشد روابط بین الملل دانشگاه مازندران

 10.22080/JPIR.2022.23713.1291

چکیده

ترکیه با اجرای پروژه سدسازی گاپ بر روی رودخانه‌ی دجله و فرات حق انحصاری بهره‌برداری از آن را برای خود می‌داند و کنترل آب جریان یافته به کشورهای پایین دست را نیز در کنترل خود دارد. همین عامل نارضایتی این کشورها را موجب شده است و مشکلاتی را به‌خصوص از جنبه‌ی امنیتی برای کشورهای مجاور به وجود آورده است. با توجه به تأثیرات این بهره‌برداری بر کشورهای پایین دست، این مقاله این سؤال را مطرح می‌کند که ترکیه در احداث سدهای پروژه‌ی گاپ چه اهداف سیاسی و امنیتی را دنبال می‌کند؟ و احداث این سدها چه تأثیری بر امنیت ایران خواهد گذاشت؟ مقاله با رویکردی پژوهشی و با بهره‌گیری از مکتب کپنهاگ این مفروضات را در نظر گرفته است که پروژه‌ی گاپ در طول چندین دهه با توجه به سیاست‌های اعلامی ترکیه تغییر ماهیت داده است و از ابزاری فنی و توسعه‌ای تبدیل به امری امنیتی شده است. ترکیه با بهره‌برداری از این سد به دنبال اهداف هژمونی‌خواهانه، در دست‌گیری کنترل کردهای منطقه و همچنین به دنبال معاوضه‌ی نفت و آب در منطقه می‌باشد. همچنین از تأثیرات این پروژه بر ایران می‌توان به خطر افتادن امنیت هویتی، خطرات محیط زیستی، شوری زمین و امنیت غذایی و کشاورزی نام برد که در مقاله مورد بررسی قرار می‌گیرد.

تاریخ دریافت:

۲۱ خرداد ۱۴۰۱

تاریخ پذیرش:

۱۴ مهر ۱۴۰۱

تاریخ انتشار:

۱۷ آبان ۱۴۰۱

کلیدواژه‌ها:

امنیت؛ ایران؛ ترکیه؛ گاپ؛
مکتب کپنهاگ.

* نویسنده مسئول: ماری ملکی

آدرس: دانش آموخته کارشناسی ارشد روابط بین الملل دانشگاه مازندران
ایمیل: marimaleki67@gmail.com

۱ مقدمه

از آنجایی که ترکیه حق بهره‌برداری از آب را برای خود منحصر می‌دانسته، اصولاً به هیچ معاهده‌ای پایبند نبوده است.

ترکیه و عراق چندین بار با یکدیگر در این زمینه ملاقات کرده‌اند و در نهایت در سال ۲۰۰۹ یادداشت تفاهمی را امضا کردند که هنوز به تصویب پارلمان ترکیه نرسیده است (Kibaroglu and Gürsoy, 2015:823). همچنین در سوریه محققان بروز کم‌آبی شدید و خشک‌سالی را به دلیل احداث همین سدها از عواملی می‌دانند که موجب ناآرامی در ۲۰۰۶ را موجب شده است (مرادی طادی، ۱۳۹۶: ۸۶). روابط همکاری بین ترکیه و سوریه با امضای معاهده‌ی ۱۶ سپتامبر ۲۰۰۹ شروع شد. ساخت سد دوستی رودخانه اورونتس نیز در فوریه‌ی ۲۰۱۱ آغاز شد، اما با شروع جنگ داخلی سوریه در شهر درعا، لاذقیه، حماه، هوموس، ادلب، دیرالزور تنها پس از یک ماه متوقف شد (Oktav, 2017:247). علاوه بر این مسائل حقوقی باید گفته شود ترکیه با ساخت این سدها در طول زمان اهداف مختلفی را در پیش گرفته است که در طول زمان تغییر کرده است. این مقاله در نظر دارد تا اهداف ترکیه را در پروژه‌ی گاپ از منظر سیاسی و امنیتی بررسی کند و همچنین تأثیر این سدسازی را بر روی ایران مورد ارزیابی قرار داده است.

۲ پیشینه‌ی پژوهش

پژوهش‌های به عمل آمده در زمینه‌ی پروژه‌ی سدسازی را می‌توان به چهار دسته تقسیم کرد. دسته‌ی اول نوشته‌هایی که به این موضوع از منظر زیست‌محیطی توجه کرده‌اند. دسته‌ی دوم مقالات به تأثیرات اقتصادی که گاپ بر روی کشورشان داشته پرداخته‌اند، دسته‌ی سوم بر تأثیر سدسازی بر کردهای منطقه اختصاص دارند و دسته‌ی چهارم مقالات اغلب از سوی کشورهای همسایه بر تأثیر سیاسی سدسازی بر عراق و سوریه اشاه کرده‌اند. در

از اوایل دهه‌ی ۱۹۷۰، سازمان‌های بین‌دولتی و غیردولتی، کنفرانس‌های بین‌المللی در زمینه‌ی مسائل آب تشکیل شده است.^۱ اما مناطق خاصی از کره‌ی زمین بیش از سایر مناطق توجهات را به خود جلب کرده‌اند، مانند مناطقی با منابع آب سطحی و زیرزمینی مشترک بین دو یا چند کشور. حوضچه‌ی دجله و فرات از این جمله هستند. در تحلیل‌های جغرافی‌دانان برجسته، این دو رودخانه‌ی دجله و فرات به عنوان یک سیستم جریان آب فرامرزی به صورت واحد مورد بررسی قرار می‌گیرند (Kibaroglu, 2017:6-10).

رود دجله در شرق ترکیه از رشته کوه توروس سرچشمه می‌گیرد و ۴۰ درصد آب آن از ترکیه، ۵۱ درصد آن از عراق و نه درصد از ایران تأمین می‌شود. دجله پس از الحاق به رود فرات و ایجاد بین‌النهرین به کارون می‌پیوندد و پس از تشکیل اروندرود به خلیج فارس جاری می‌شود. همچنین ۹۰ درصد آب فرات از ترکیه و ۱۰ درصد آن از سوریه تأمین می‌شود. فرات پس از عبور از سوریه در عراق به دجله می‌ریزد. به طور کلی ۷ سد بر روی فرات و پنج سد بر روی دجله احداث شده است که مهم‌ترین آن‌ها سد اتاتورک بر روی فرات و سد ایلیسو بر روی دجله است که خود از پروژه‌های گاپ محسوب می‌گردند (محمدی خسروی و همکاران، ۱۳۹۹: ۹۶-۹۵). به عبارتی تقاضا برای ذخیره‌سازی در حال افزایش است درحالی‌که عرضه‌ی ذخیره‌سازی در حال کاهش است. برخی کشورها در این زمینه با مشکل کم‌تری روبه‌رو هستند؛ اما برخی کشورها دارای مشکلات فراوان‌تری هستند که در طول زمان ممکن است بیشتر نیز شود (Winston Yu and other, 2021). مانند کشورهای پایین دست رودخانه دجله و فرات، یعنی عراق و سوریه که همواره به حق بهره‌برداری از آب در این حوضه توسط ترکیه اعتراض داشته‌اند؛ اما

کمیسون بین‌المللی هیدرولوژی حوزه‌ی رودخانه‌ی راین در ۱۹۷۰.

^۱ از جمله کنفرانس استکهلم در ۱۹۷۰، موافقت‌نامه‌ی آمازون در سال ۱۹۷۸ که بین دولت‌های ساحلی رود آمازون و

اثرات اقتصادی احتمالی ناشی از کاهش مورد انتظار در میزان جریان سالانه‌ی آب‌های رودخانه‌های دجله و فرات در مرزهای عراق و ترکیه (دجله) و مرزهای عراق و سوریه می‌پردازد. این مطالعه به چهار بخش تقسیم شد: بخش اول مربوط در چارچوب دلایل اصلی جمعیتی-اقتصادی که دولت ترکیه را به فکر ساختن سد ایلیسو کرده، بخش دوم اثرات منفی اقتصادی را که نتیجه‌ی ساخت سد ایلیسو بر اقتصاد عراق می‌گذارد، بررسی می‌کند. بخش سوم نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل‌های تحقیق را نشان می‌دهد، بخش آخر شامل سه پیشنهاد است. تشکیل کارگروه و صحبت در سطح منطقه، بحث در مجامع بین‌الملل و نشست‌های زیست محیطی در دانشگاه‌های عراق.

ج: گونش مورات تزکور (۲۰۲۱) در مقاله‌ی خود با عنوان «اثر بخشی استفاده از حقوق بشر: مبارزه بر سر سد ایلیسو در ترکیه» به موضوع حقوق بشری و فرهنگی پرداخته و به ضررهای اقتصادی و کشاورزی و فرهنگی سدسازی اشاره دارد و می‌نویسد نهادهای غیردولتی در اعتراض به سدسازی‌های ترکیه در برهه‌ای مانع جلوی آن را گرفتند، اما با وجود آن دولت ترکیه بعدها با ابتکار عمل‌هایی توانست بودجه‌ی لازم برای سدسازی‌های خود را تأمین کند و از صندوق‌های اروپایی کمک بگیرد. دولت برای برون‌رفت از مشکلات یک استراتژی گفتمانی دو قسمتی را اتخاذ کرد شامل توسعه‌گرایی و امنیت ملی. مقاله به نقض حقوق بشری در ساخت این سدها و توجه نکردن به جمعیت زیادی از مردم که هم در ترکیه و هم در عراق که مجبور شدند برای تأمین معاش خود به مهاجرت کنند اشاره دارد و در نهایت نتیجه می‌گیرد با ظهور رهبران و جنبش‌های پوپولیست دست راستی که چالشی را برای هنجارها و نهادهای بین‌المللی لیبرال ایجاد می‌کنند، مبارزه بر سر سد ایلیسو هم نقاط قوت و هم محدودیت‌های (رویکرد حقوق بشری) را در مواجهه با ناسیونالیست‌ها و توسعه‌گرایان نشان می‌دهد.

زیر به چند مورد این مقالات اشاره می‌شود. با توجه به این پیشینه، مقاله‌ی پیش رو در نظر دارد تا از منظر سیاسی و امنیتی به اهمیت پروژه برای ترکیه و هم به تأثیرات امنیتی که سدسازی برای ایران خواهد داشت نگاه داشته باشد.

الف: علی نواری (۱۳۹۷) در پژوهشی تحت عنوان «ساخت و راه‌اندازی سد ایلیسو در ترکیه و پدیده‌ی ریزگردها در ایران: اولویت اصول مرتبط با حقوق بین‌الملل محیط زیست»، سدسازی در ترکیه را از منظر حقوقی بررسی کرده است. سؤال اصلی این نوشتار این است که دولت‌ها در اجرای پروژه‌های ملی از جمله احداث سد چه اصولی از حقوق بین‌الملل زیست محیطی را باید در اولویت و مورد رعایت قرار دهند؟ این مقاله توضیح می‌دهد که دولت‌ها علاوه بر رعایت اصول حقوقی قلمروی سرزمینی به‌خصوص در زمینه‌ی مسائلی مانند سدسازی باید حقوق کشورهای همسایه را نیز رعایت نمایند و اصل حسن هم‌جواری کشورها که در معاهدات بین‌المللی متعدد مورد تأکید است دولت‌ها را در اعمال اصل سرزمینی با محدودیت‌های مشخصی مواجه می‌کند. همچنین این مقاله اصول حقوق بین‌الملل محیط‌زیست از جمله اصل مسؤولیت مشترک اما متفاوت، اصل تعهد دولت‌ها به اطلاع‌رسانی، اصل استفاده‌ی غیر زیان‌بار از سرزمین، اصل اقدامات احتیاطی، اصل پیشگیری و اصل همکاری و به نواقص سدسازی ترکیه اشاره کرده است که در نهایت نشان می‌دهد حقوق محیط‌زیستی در آن رعایت نشده است و در مجامع بین‌المللی قابل پیگیری می‌باشد.

ب: ابی‌الوتار (۲۰۰۸) در مقاله‌ی خود تحت عنوان «برخی اثرات بالقوه‌ی آبی-اقتصادی ناشی از ساخت سد ایلیسو(گاپ) در چارچوب پروژه‌ی بازسازی آناتولی جنوب شرقی» از زاویه‌ای اقتصادی به این سدسازی‌ها و آثار آن پرداخته است. هدف اصلی این مطالعه‌ی آینده‌نگر دو مورد است. اولی مربوط به تعیین اثرات بالقوه‌ی آب ناشی از ساخت سد ایلیسو و دومی اثرات پروژه بر عراق است. بخش دوم به

این مقاله به درگیری بین ترکیه و کردها و پ. ک. ک می‌پردازد و اشاره می‌دارد این پروژه در طول زمان تغییر ماهیت داد و امنیتی شد و اشاره می‌کند در واقع توسعه‌ی اقلیم کردستان پیش‌بینی‌شده توسط گاپ به ادغام کردها در ملت ترکیه و در نتیجه کاهش حمایت از خواسته‌های جدایی طلبانه پ. ک. ک کمک می‌کند.

۳ چارچوب نظری

بعد از فروپاشی نظام شوروی و به دلیل به وجود آمدن مسأله‌ی رقابت هسته‌ای و رقابت اقتصادی، سیاسی و اجتماعی مفهوم سنتی امنیت رنگ باخت و جهان با موضوعات جدیدی روبه‌رو گشت. در تعریف سنتی از امنیت یک خطر تنها زمانی امنیتی محسوب می‌شد که به درگیری نظامی بین دو کشور منجر می‌شد. رفته‌رفته روابط بین‌الملل با تغییر کردن ماهیت تهدیدات و مرجع مواجه شد.

بحث اصلی مکتب کپنهاک، امنیتی‌سازی است. در روابط بین‌الملل هنگامی موضوعی تبدیل به مسأله امنیتی می‌شود علت این نیست که آن موضوع تهدیدی عینی برای کشور محسوب می‌شود، بلکه وقتی یک بازیگر سیاسی چیزی را به یک تهدید وجودی تعریف کند نیز تهدید به شمار می‌آید (امامقلی و احمدی، ۱۳۹۵: ۱۲۶). امنیت در تعریف این مکتب امنیت به پنج بخش نظامی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و زیست محیطی تقسیم می‌شود. نکته‌ی اساسی این تحلیل، محوریت امنیت ملی در تعریف است (ابراهیمی، ۱۳۸۶: ۴۵۲-۴۴۵). بوزان تأکید اصلی خود را در تحلیل امنیت بر سطح تحلیل منطقه‌ای می‌گذارد و معتقد است کشورها باید در سیاست خارجی خود، جایگاه ویژه‌ای را به ابعاد منطق‌های امنیت اختصاص داده و امنیت را در ابعاد چندبعدی آن پیگیری نمایند. به عبارت دیگر، وجه تمایز اصلی او، مطالعات امنیتی دوران پساجنگ سرد از دوران جنگ سرد، وسعت دامنه‌ی امنیت و شمولیت موضوعاتی مانند مهاجرت، سازمان‌های جنائی (تروریستی) فراملی و فراملی و

د: آردا بیلگن (۲۰۱۸) در مقاله‌ی «پروژه‌ی آناتولی جنوب شرقی ترکیه (گاپ)، بررسی کیفی ادبیات» به جای بررسی سیستماتیک، یک بررسی کیفی را دنبال کرده است. این مقاله اهداف پروژه‌ی گاپ را در طول زمان متغیر و شکل آن را سیال می‌داند که در راستای تغییر زمینه‌ها، ساختارها و منافع نهادی و یا شخصی بازیگران دخیل در فرآیندهای برنامه‌ریزی و اجرای پروژه تغییر شکل دهد و این سیال بودن گاپ باعث ایجاد خستگی توسعه در میان جوامع محلی شده است. اهداف و مقاصد پروژه، عموماً با هدف تسلط بر طبیعت بوده است. همچنین، مانند بسیاری دیگر از طرح‌های بزرگ مدرن‌سازی، گاپ شامل عناصر اقتدارگرا و نخبه‌گرا بوده است و توسط تعداد محدودی از سیاستمداران، بوروکرات‌ها و کارشناسان در پست‌های با نفوذ به شیوه‌ای سلسله مراتبی کنترل می‌شود. در این پروژه افراد ثروتمند نفوذ بیشتری پیدا کرده‌اند درحالی‌که در زندگی فقرا هیچ تغییری صورت نگرفته و این نشان می‌دهد که جایگزینی برای مسیر توسعه با تکیه بر مسیر سنتی و بومی صورت نگرفته است و حقوق اقلیت کرد در آن نقض شد و اجرای این طرح باعث ایجاد مناقشات بین‌المللی شده و تنش بین ترکیه، سوریه و عراق را دامن زده است.

ه: لورا مایجر (۲۰۱۸) در مقاله‌ی «پروژه‌ی جنوب شرقی آناتولی (گاپ) آب، ضد شورش و درگیری»، به مسأله‌ی کردها اشاره می‌کند. این مقاله در نتیجه، رابطه‌ی چندبعدی بین آب و درگیری را نشان می‌دهد که در پیوند بین گاپ و درگیری ترکیه با پ. ک. ک نشان داده شده است که هم می‌تواند زمینه‌ساز صلح باشد و هم درگیری را در منطقه زیاد کند. علی‌رغم تمام وعده‌های توسعه مبتنی بر آب، گاپ منجر به بهبود قابل توجهی در وضعیت اجتماعی-اقتصادی منطقه نشده است. بسیاری از بخش‌های منطقه هنوز فاقد برق کافی هستند و برنامه‌های آبیاری تنها به نفع بخشی از جمعیت کرد ساکن در منطقه بوده است. از طرف دیگر پتانسیل توسعه‌ی آب به عنوان یک سلاح، بسیار قوی‌تر بوده است.

۴ تغییر ماهیت پروژه‌ی گاپ

به‌طور کلی «پروژه‌ی آناتولی جنوب شرقی - گاپ»^۱، شامل ۲۲ سد عظیم است که مهم‌ترین آن‌ها سدهای (آتاتورک، کبان، قرقیه، برجیل، قم قیام)، پروژه‌ی ذخیره‌سازی، نیروگاه‌های برق و شبکه‌ی بزرگ آبیاری می‌باشد. نیروگاه‌های برق آبی حدود ۲۳ میلیارد مگاوات در ساعت برای کشاورزی و محصولات استراتژیک، برق تولید می‌کنند و ظرفیت ذخیره‌سازی پروژه ۱۰۰ میلیارد متر مکعب برآورد شده است و این ظرفیت سه برابر ظرفیت ذخیره‌سازی سدهای عراق و سوریه است (زکریا، ۲۰۱۹). برآورد شده است پس از اتمام پروژه‌ی گاپ، ۸۰٪ از آب فرات و ۴۷٪ از جریان رود دجله را ترکیه کنترل می‌کند (Al-ansari, Knutsson, 2015:2101-2105). اگر نرخ رشد جمعیت موجود در ترکیه را در نظر بگیریم، جمعیت آن در سال ۲۰۲۵ به ۹۱ میلیون خواهد رسید (Al-ansari, 2013:676). آب این پروژه حدود ۴۷ درصد از کل آب ترکیه و ۱۷ درصد از کل اقتصاد ترکیه را تشکیل می‌دهد (علی عبدالحسین عبدالله، ۲۰۱۶: ۵).

مقدمات پروژه‌ی گاپ قبلاً در دهه‌ی ۱۹۳۰ توسط مصطفی کمال آتاتورک فراهم شده بود. وی با شناخت پتانسیل حوضه‌های دجله و فرات معتقد بود که توسعه رودخانه‌ها می‌تواند به توسعه و رونق بیشتر در ترکیه منجر شود. در ابتدا، گاپ بر توسعه‌ی منابع آب و زمین متمرکز بود، اما در دهه‌ی ۱۹۷۰، به یک «برنامه‌ی توسعه‌ی منطقه‌ای چندبخشی، اجتماعی-اقتصادی» تبدیل شد (Meiger, 2018:4). در حالی که هدف اولیه‌ی آن گسترش مناطق قابل آبیاری و تولید برق آبی بود، توجهات این پروژه در طول زمان تغییر یافت و معلوم گشت اهداف آن فراتر از راه‌حل‌های فنی آبیاری و تولید برق بود و شامل اهداف اجتماعی-اقتصادی (کاهش اختلاف درآمد) و جاه‌طلبی‌های سیاسی (پایان دادن به فدرالیسم روستایی و

محیط زیست و رفاه اقتصادی است که قبلاً در تعاریف امنیتی لحاظ نمی‌شد (طباطبایی و فتحی، ۱۳۹۳: ۱۲). در واقع مفهوم امنیتی‌سازی در مکتب کپنهاک بسیار برجسته است. این موضوع به فرآیندی اشاره دارد که منجر به قرار دادن برخی موضوعات در چارچوب امنیت قرار می‌گیرد درحالی‌که قبلاً در این حوزه نبود. این رویکرد سه موضوع شامل موضوعات غیر سیاسی (مسائل خارج از حوزة دولت، موضوعات سیاسی، موضوعات امنیتی را ترسیم می‌کند و برای اینکه یک موضوع در زمره‌ی مسائل امنیتی قرار بگیرد دو شرط را لازم می‌داند. اول گفتمان امنیتی و دوم شکستن قواعد و رویه‌ها و قوانین موجود (نصری، ۱۳۸۱: ۳۶-۳۵). گفتمان‌های امنیتی‌ساز شامل بازیگران امنیتی‌ساز و بازیگران کارآمد است. بازیگران امنیتی‌ساز، فرد یا گروهی هستند که موضوعات را با اظهار این مسأله که چیزی از لحاظ وجودی در معرض تهدید است، امنیتی می‌سازند. بازیگران کارآمد صرفاً دارای تأثیر بر تصمیمات در حوزه امنیت می‌باشند. معمولاً بازیگران امنیتی‌ساز شامل رهبران، دولت‌ها، احزاب و مواردی از این قبیل می‌باشند و بازیگر کارآمد مانند یک مؤسسه‌ی مطالعاتی ایده‌پرداز در مسائل امنیتی است (سازمند، ۱۳۹۵: ۱۷۵). در مسأله‌ی مربوط به سدسازی‌های ترکیه بر روی رودخانه‌های مهمی همچون دجله و فرات و در آینده ارس. این موضوع را می‌توان به خوبی درک کرد. پروژه‌ای که ابتدا فقط یک طرح فنی و توسعه‌ای برای ترکیه محسوب می‌گردید، اما به مرور زمان و عوض شدن محیط بین‌المللی و استفاده‌ی بازیگران از ابزارهای نوین و روی کار آمدن بازیگران جدید همچون کردها و به دلیل تأثیراتی که این طرح بر کشورهای همسایه داشته است، طرح گاپ را برای ترکیه به یک راهبرد امنیتی بدل کرده است.

^۱ Project Anatoly Southeast (GAP)

مهاجرت بیشتر خود را نشان داد و دست‌اندرکاران طرح مجبور شدند حتی در یک دوره به دلیل فعالیت فعالان حقوق بشری از ادامه‌ی طرح بازمانند و بانک‌های جهانی به دلیل رعایت نکردن مسائل اخلاقی و حقوقی به طرح کمک مالی نکردند. اما در نهایت ترکیه توانست بودجه‌ی این طرح را فراهم کند و سازمان‌های جهانی را با خود همراه سازد. در این راه نیز ترکیه اهداف سیاسی و امنیتی خود را در لابلای قراردادهای حقوقی جا داده ولی حتی برخلاف تعهد خود هنوز نیازهای اکثر مردم منطقه را فراهم نکرده است. در ادامه به منافی که ترکیه از اجرای این طرح از زاویه‌ی سیاسی امنیتی دنبال می‌کند، اشاره می‌شود.

۵ امنیت‌شدن پروژه‌ی گاپ

پروژه‌ی گاپ از چندین نظر سیستمی امنیتی برای ترکیه شده است. ابتدا این مورد را می‌توان در جابه‌جایی‌هایی جمعیتی که این پروژه موجب شده را ببینیم. با گذشت زمان گفتمان پیرامون گاپ و استفاده از آن بیشتر امنیتی شد و این طرح را به وسیله‌ی جنگی یک کشور تبدیل کرد. در مجموع تصور می‌شود که پروژه‌ی گاپ منجر به جابه‌جایی حدود ۳۵۰۰۰۰ نفر شده است که بیشتر آوارگان کرد را تشکیل می‌دهند و اگرچه دولت برنامه‌هایی را برای تضمین غرامت در نظر گرفته است، اما بخش بزرگی از آوارگان کرد از چنین غرامت محروم شده‌اند. جابه‌جایی جوامع عمدتاً کرد منجر به پراکندگی جمعیت آن‌ها و تشدید جنگ با کردهای افراطی (پ. ک. ک) را منجر می‌شود (Meiger, 2018:7). این بدان معنا بود که به تدریج، گاپ بخشی از استراتژی امنیتی دولت ترکیه شد و از یک طرف قرار بود کردها را به ترک‌های مدرن وفادار به دولت ترکیه تبدیل و از سوی دیگر، کنترل دولتی را از طریق اقتصادهای وابسته به تأمین آبیاری، آموزش و یارانه‌های دولتی تضمین کند (Bilgen, 2018). همچنین در قراردادهایی که ترکیه به‌خصوص با سوریه بسته است سعی کرده از آب به عنوان سلاحی برای توافق با سوریه نیز استفاده شود.

شکست شورش کردها) است (Murat Tezcür and Othet, 2021:1344). در دهه‌ی ۷۰ هدف آبیاری گسترده برای تولید انرژی برق آبی و آبیاری ۱/۸ میلیون هکتار زمین در آناتولیا جنوبی بود. از اواسط دهه‌ی ۱۹۸۰ به بعد، تمرکز فنی محدود گاپ، عمدتاً بر توسعه‌ی منابع آب و زمین، شروع به تغییر بخش‌های مختلف کرد. از جمله، اینکه دیگر نه محدود به کشاورزی، بلکه حمل‌ونقل، مخابرات، مراقبت‌های بهداشتی، آموزش و پرورش و زیرساخت‌های شهری و روستایی نیز در چارچوب پروژه گنجانده شدند. در این دوره اهداف توسعه‌ای مانند کاهش نابرابری‌های بین منطقه‌ای و درون منطقه‌ای، جلوگیری مهاجرت از منطقه و رفع نابرابری در مالکیت زمین در منطقه به دستور کار پروژه اضافه شده است. به عبارتی، طرح اولیه به یک پروژه‌ی توسعه‌ی منطقه‌ای چندبخشی و یکپارچه تبدیل شده است. در دهه‌ی ۱۹۹۰، مفاهیم توسعه‌ی عمومی مانند پایداری، مشارکت و توسعه‌ی انسانی نیز در چارچوب این پروژه گنجانده شد. در نتیجه، گاپ به عنوان «پروژه‌ی توسعه‌ی انسانی پایدار» تعریف شد. مسیر پروژه در دهه‌ی ۲۰۰۰ چرخش دیگری پیدا کرد، به ویژه پس از تشدید تلاش‌های ترکیه برای بازسازی اقتصاد سیاسی خود بر اساس الگوی توسعه‌ی نئولیبرالی و تبدیل شدن به یک کشور عضو اتحادیه‌ی اروپا. این منطقه که حدود ۱۰٪ از کل مساحت و جمعیت ترکیه را در بر می‌گیرد از یک پروژه‌ی عمدتاً فنی، عمدتاً دولتی و عمدتاً زیرساختی و توسعه‌محور اقتصادی به پروژه‌ای عمدتاً اجتماعی، عمدتاً بازارپسند و عمدتاً پایدار و توسعه‌محور انسانی تبدیل گشته است (Bilgen, 2018:653). با بررسی‌های به عمل آمده می‌توان دلیل این چرخش موضع را پی برد. هرچه طرح پیش‌تر رفت، هم جمعیت ترکیه افزایش یافت و هم دولت توسعه‌خواه باید برای تأمین آب مورد نیاز صنعت آب تأمین می‌کرد و هم با پیشروی پروژه، فعالان اجتماعی و محیط زیستی به تأثیرات سد بر زندگی مردم منطقه پی بردند و آسیب‌های زیست‌محیطی و فرهنگی و همچنین مسائلی مانند

بوده است که بیشتر آن وارد می‌شود و همچنان در حال رشد است (خبرگزاری اناتولی، ۲۰۲۰). نفت ۳۱/۷ درصد از کل واردات بخش انرژی ترکیه را تشکیل می‌دهد (International Energy Agency, 2021:133). با توجه به وابستگی شدید ترکیه به واردات گاز طبیعی، همراه با تراز پرداخت‌ها و آسیب‌پذیری‌های امنیت انرژی که ایجاد می‌کنند، اولویت اصلی ترکیه در رابطه با گاز طبیعی کاهش سهم گاز وارداتی و افزایش سهم منابع انرژی تولید داخل از جمله منابع آبی، زغال سنگ، زغال سنگ، هسته‌ای و انرژی‌های تجدیدپذیر (به ویژه در تولید برق) است (International Energy Agency, 2021:154).

افراط در قدرت باعث شده ترکیه گاهی سیاست بازی بر روی موازنه‌ی قوا را در کشورهای عربی اعمال کند. برای دستیابی به این هدف، پروژه‌هایی را در جنوب آناتولی ایجاد و توسعه می‌دهد و مجموعه‌ای از سدها و سیستم‌های آبیاری را احداث می‌کند و در این زمینه، پروژه خط لوله‌ی صلح را برای تأمین آب برخی کشورهای عربی و اسرائیل از سیهان و جیهان ترکیه پیشنهاد می‌کند (عبدالکریم محمد، ۲۰۱۴: ۵۸). طرح صلح که در ۱۹۸۷ ایده‌ی آن مطرح شد در نظر داشت تا نبض حیات کشورهای عربی را در دست گیرد. در این طرح ترکیه احداث دو خط لوله را پیشنهاد کرده است. خط لوله‌ی انتقال آب به کشورهای خلیج فارس و خط لوله نفت این کشورها به ترکیه. این دو پروژه از نظر حیاتی کاملاً متفاوت هستند؛ زیرا قطع آب خطرات به مراتب بیشتری از قطع نفت خواهد داشت. این طرح در نظر داشت سالانه ۲/۲ میلیارد متر کعب آب را از دو رودخانه‌ی واقع در ترکیه یعنی سیحان و جیهان که به مدیترانه سرازیر می‌شود، به کشورهای کم آب سوریه، عربستان، اردن، کویت، بحرین، قطر، عمان و امارات انتقال دهد و در صورت تحقق ترکیه را در مرکز طرح‌های آبی خاورمیانه قرار می‌داد (کرمی و همکاران، ۱۳۹۵: ۴۰) اما بنا به دلایل بی‌شماری این طرح هنوز قابلیت اجرایی پیدا نکرده است. اما ترکیه

شومان تجزیه و تحلیل می‌کند که چگونه ساختارهای تصمیم‌گیری سطح بالای ترکیه در هنگام انعقاد پروتکل ۱۹۸۷ ترکیه و سوریه در مورد همکاری اقتصادی، پیوندی بین آب و امنیت برقرار کردند: این پیوند را در مذاکرات هم‌زمان دو کشور در مورد مسائل امنیتی و مسائل آب می‌توان دید. تورگوت اوزال، نخست وزیر ترکیه، بازیگر تعیین‌کننده‌ی سیاسی در آن زمان، با هدف دستیابی به توافقی با سوریه در مورد مسائل امنیتی، قول جریان مشخصی از رود فرات را بر روی مرز ترکیه و سوریه داد (Kibaroglu, 2017:13). در همان زمان، آن‌ها یک توافق‌نامه‌ی امنیتی متقابل را امضا کردند که در آن مقرر شد هر کشوری از انجام فعالیت‌ها علیه دیگری در قلمروی خود جلوگیری کند و جنایت‌کاران مسؤول فعالیت‌های تروریستی مسترد خواهند شد. اوزال معتقد بود که حزب کارگران کردستان (پ.ک.ک) حملات خود را متوقف می‌کند اگر سوریه از حمایتش دست بردارد (Kibaroglu, 2017:14). همچنین این مورد را می‌توان اضافه کرد که سدهای گاپ علاوه بر این، به مرور زمان که قرارگیری و ساخت آن‌ها حول محور ایجاد آن‌چه که دیوارهای آب می‌نامد، به ابزار نظامی تبدیل شدند. از آنجایی‌که سدها مناطق وسیعی از زمین را در بر می‌گیرند، می‌توانند مانعی برای حرکت آزادانه مبارزان پ.ک.ک باشند. چندین سد در کنار مرز بین ترکیه و عراق و سوریه مانع از ورود جنگجویان پ.ک.ک به ترکیه شده است. همان‌طور که وارنر بیان می‌کند: "مقامات دولتی استدلال کردند که "تروریست‌ها دیگر نمی‌توانند به راحتی از منطقه‌ای به منطقه دیگر به دلیل وجود سدها عبور کنند"، بنابراین سدها را به مکانیسم‌های کنترل مرزی برای راهروهای کوهستانی مورد استفاده جنگجویان پ.ک.ک تبدیل کردند (meiger, 2018:8 and wernwr, 2012:231-250).

۵/۱ سیاست تعویض آب به جای نفت

واردات نفت ترکیه برای سال ۲۰۱۹ در حدود روزانه یک میلیون بشکه در روز ثبت شده. واردات گاز ترکیه نیز معادل ۴۵ میلیارد مترمکعب در سال ۲۰۱۹

کنار برطرف کردن تقاضای داخلی اهرمی مهم برای چانه‌زنی و قدرت‌نمایی ترکیه را فراهم نماید.

۵٫۲ هژمونی خواهی

دولت و فعالان از زمان تأسیس جمهوری ترکیه، شعار «رسیدن به سطح تمدن غرب» عنصر اصلی گفتمانی شکل‌دهنده‌ی سیاست‌های دولت بوده است. در همین راستا، یک اجماع ملی وجود دارد که عقیده دارد توسعه که عمدتاً بر اساس رشد اقتصادی تعریف می‌شود، یک کالای عمومی است که باید توسط دولت ترویج شود. دولت‌های متوالی ترکیه، علی‌رغم تفاوت‌های ایدئولوژیک خود، از طریق پیگیری پروژه‌های توسعه‌گرایانه در مقیاس بزرگ به دنبال مشروعیت بوده‌اند. از دهه‌ی ۱۹۸۰، یک چارچوب نهادی نئولیبرالی که مشارکت مستقیم تجارت در چنین پروژه‌های را تشویق می‌کرد، به تدریج ایجاد شد. با توجه به این جهان‌بینی سیاسی، ساخت سدهای برق آبی که از دهه‌ی ۱۹۶۰ در برنامه‌های متوالی دولت در ترکیه نقش اساسی داشته است. این هدف در حزب عدالت و توسعه به سطح بی‌سابقه‌ای از جاه‌طلبی رسید که حکومت آن با سیاست‌های توسعه‌طلبانه‌ی نئولیبرالی از جمله خصوصی‌سازی سریع و گسترده‌ی بخش انرژی مشخص شده است (Özkaynak and Tezcür and othet, 2021:1354, other, 2020). قابل ذکر است که نخبگانی مانند سلیمان دمیرل و تورگوت اوزال نیز که خود در آمریکا تحصیل کردند و نیز در طرح گاپ به عنوان تکنسین و بروکرات حضور داشتند سعی کردند تجربیاتی را که در خارج از کشور به دست آورده‌اند در ترکیه به اجرا بگذارند (Murray Li, 2007:6). در این زمینه دولت گفتمان خاصی در مورد رودخانه‌ها را ترویج کرد که در آن استفاده از آب برای تولید الکتریسیته در اولویت قرار داشت، که هم حقوق محیطی و هم محلی را به خطر انداخت. (DSI, 2018) در این پارادایم سرمایه‌داری و توسعه‌گرا، نیروی برق آبی به عنوان راهی برای کاهش وابستگی ترکیه به واردات انرژی و برآوردن تقاضای فزاینده انرژی به تصویر

در دیگر طرح‌های آبی خود نیز همواره موضوع تسلط را در نظر داشته است، از جمله در طرح گاپ.

به واقع تلاش ترکیه در طرح گاپ برای دستیابی به بیشترین میزان آب از دجله و فرات و مبادله‌ی آن با نفت کشورهای عربی است و این اقدامی است که بارها از سوی مقامات ترکیه مبنی بر مبادله‌ی آب با نفت اعراب اعلام شده است. به عبارتی هدف ترکیه در اصل مبادله‌ی آب با نفت و به دست آوردن آن با قیمت پایین بوده که از دهه‌ی ۱۹۷۰ تا کنون دنبال شده است، به طوری که ترکیه در سال ۱۹۷۱ در ازای دادن سهم آب، تقاضای دریافت نفت با قیمت پایین را داشته است (حبیب راضی و دیگران، ۲۰۰۸: ۱۹). در راستای تأکید بر صحنه این موضوع در ۲۴ ژانویه ۱۹۹۰، روزنامه‌ی ترکی (کُن ایدن) مقاله‌ای با عنوان (معاملات آب و نفت با عراق) نوشت و در آن ابراز داشت: «همان طور که شما یک سلاح قوی به اسم نفت دارید، ما نیز یک سلاح به اسم آب داریم» (محمد طه السوئدانی، ۲۰۱۱: ۱۷). آکگون ایلهان، کارشناس سیاست ترکیه و فعال آب حتی طی مصاحبه‌ای، از دولت انتقاد کرده و می‌گوید که دولت ترکیه بیشتر به دنبال کنترل آب‌راه‌ها و صادرات آب بطری‌شده است تا اطمینان از دسترسی به آب آشامیدنی سالم. (Busch, 2020) این موضوع موقعی اهمیت پیدا می‌کند که بدانیم مسأله‌ی آب شیرین خود یکی از معضلات کشورهای عربی می‌باشد. با توجه به تغییرات اقلیمی کمبود هر ساله میزان آب شرب در جهان حتی این موضوع حساس‌تر نیز می‌شود. در واقع تسلط بر آب به معنای تسلط بر شریان حیاتی جمعیت عظیم خاورمیانه است. این گفتار به خوبی می‌تواند اهداف ترکیه را در پروژه‌ی سدسازی گاپ مشخص کند. زیرا یکی از مهم‌ترین منافع سدسازی در این طرح تولید برق آبی و تأمین نیاز کشور از طریق آن و جابه‌جایی انرژی تولید برق به جای سوخت‌های فسیلی می‌باشد. از طرف دیگر با این کار هم آب آشامیدنی و هم برق تولیدی از این سدها را به کشورهای پایین دست می‌تواند بفروشد و امنیت خود را در بخش انرژی بالا ببرد. به واقع در

مجلس راه پیدا کردند و احزابی مانند پ. ک. ک. توانستند قدرت‌نمایی کنند. آن‌ها اهدافی مانند تأسیس کشور کردستان متشکل از کردهای ترکیه، عراق و ایران را مطرح نمودند (ذوالقدر و کاظمی پیر سرا، ۱۳۹۴: ۷۸-۷۵). این مسأله حتی در طول بحران سوریه نیز ادامه پیدا کرده بود. عقب‌نشینی اسد از شمال سوریه در ۲۰۱۲ به حزب اتحاد دموکراتیک (پ. ی. ی) یعنی حزبی که وابسته به پ. ک. ک. است این فرصت را داد تا در امتداد مرزهای ترکیه و سوریه مسلط شده و با حمایت پ. ک. ک. در ۱۲ نوامبر ۲۰۱۳ اعلام خودمختاری کند (تقی لو و خیری، ۱۳۹۹: ۶۵-۶۸). از آنجاکه ترکیه مسأله‌ی کردها را همواره به عنوان مهم‌ترین موضوع امنیتی خود می‌دانست، اعلام این موضوع بسیار خطرناک بود.

تهدید امنیتی دیگر برای ترکیه در مسأله‌ی کردها مربوط به موضوع مهاجرت کردها نیز مزید بر علت شده و نگرانی نخبگان سیاسی ترکیه را مضاعف کرده است. مهاجرت کردها از شهرهای شرقی و جنوب شرقی ترکیه به مناطق غرب و جنوب غربی باعث تغییر بافت جمعیتی بسیاری از شهرهای ترکیه (خصوصاً حاشیه‌ی شهرهای بزرگ) شده است (ذوالقدر و کاظمی پیرسرا، ۱۳۹۴: ۷۲). در زمینه‌ی سدسازی نیز کردها از جمله مخالفان سدسازی به‌خصوص در سد ایلیسو (یکی از سدهای پروژه‌ی گاپ) هستند. آن‌ها معتقدند ترک‌ها یکی از مکان‌های تاریخی مربوط به کردها به نام حسنکیف را به بهانه‌ی سدسازی نابود کرده‌اند و کردها را پراکنده ساختند و این به معنای مبارزه با هویت و فرهنگ کردی می‌باشد.

سد ایلیسو-یکی از پروژه‌های بزرگ مجموعه‌ی گاپ- یک پروژه‌ی برق آبی ۱۲۰۰۰ مگاواتی است که بر روی رودخانه‌ی دجله در جنوب شرقی ترکیه برنامه‌ریزی شده است تا ۷۸۰۰۰ نفر، عمدتاً کرد و همچنین اعضای قومیت دیگر (آرامی، عرب) و ترک، مستقیماً تحت تأثیر این پروژه در ترکیه قرار خواهند گرفت (GegenStrömung, 2011:19). در سال ۱۹۸۴، زمانی که کار ساخت‌وساز برای سد آتاتورک

کشیده می‌شد و گفته شده اگر از آب برای تولید انرژی استفاده نشود، رودخانه‌ها بدون هدف بیهوده جریان دارشته و تلف می‌شوند (Islar, 2012, 317-323). در واقع ترکیه در دو دهه‌ی پایانی قرن بیستم به دنبال تغییر اساسی در سیاست خود بود تا موقعیت بین‌المللی خود را در دوران حکومت امپراتوری عثمانی بازگرداند. استفاده از طرح‌های توسعه‌ای چون گاپ می‌توانست در این راه کمک بزرگی برای دستیابی به آن باشد.

حال که ترکیه در زمینه‌ی قدرت آبی قدرت هژمونیک در حوضه است، نسبت به سوریه و عراق، نه تنها از موقعیت بالادستی برخوردار است که به معنای کنترل جریان رودخانه‌ها است، بلکه در آغاز قرن بیست و یکم دارایی‌های سیاسی، اقتصادی و نظامی برتری را نیز داشت (Tezcür and othet, 2021:360). از طرف دیگر به طور کلی گاپ در نظر دارد که جنوب شرق ترکیه را به یک "سبد نان" خاورمیانه و به یک نیروگاه آبی قوی تبدیل کند. در نتیجه ترکیه را به یک صادرکننده‌ی کشاورزی تبدیل می‌کند (Meiger, 2018:4). امکاناتی که این سد برای ترکیه فراهم می‌آورد، امنیت غذایی ترکیه را بالا برده و با به وجود آوردن خشک‌سالی در پایین دست در عوض به وابستگی کشورهای منطقه به واردات محصولات کشاورزی از ترکیه دامن می‌زند. همه این عوامل در کنار هم قدرت‌یابی ترکیه در منطقه را فراهم می‌نماید و این کشور را برای نقش هژمون شدن آماده خواهد کرد.

۵.۳ تسلط بر کردها

به‌طور کلی جمهوری ترکیه به عنوان یک دولت ترکی تجزیه‌ناپذیر و یکپارچه تعریف شده که در آن کردها به‌طور رسمی فقط به عنوان ترک‌های شرقی شناخته می‌شوند. دولت با اعمال محدودیت بر هویت، زبان و فرهنگ کرد به دنبال یکسان‌سازی فرهنگی (ترکی شدن) یک کردستان خیالی بود (warner, 2012:238). اما اوضاع همیشه یکنواخت نبود و اواخر دهه‌ی ۱۹۴۰، کم‌کم ترکیه از سیستم تک‌حزبی به سیستم چندحزبی گام نهاد و احزاب کردی در

گروه‌بندی شوند. بنابراین تسهیل کنترل آن‌ها توسط آنکارا در حالی که این پروژه در منطقه تحت کنترل اقلیت کرد در حال شکل‌گیری است، راحت‌تر صورت می‌گیرد (Nomikos, 2016:15). هدف دیگر ترکیه از این پروژه از دیدگاه امنیتی تلاش برای ایجاد تغییرات جمعیتی در منطقه‌ای است که اکثریت جمعیت آن را کردها (تقریباً ۱۲ میلیون نفر) تشکیل می‌دهند. ترکیه سعی دارد ۶ میلیون نفر ترک را به این منطقه وارد کند، تا بدین ترتیب کردها در این منطقه به اقلیت تبدیل شوند (حامد عبید، ۲۰۱۲: ۲۷۸).

پروژه‌ی گاپ ممکن است پیامدهای مهم نیز برای مسأله‌ی کرد داشته باشد. برای مثال، پروژه‌های آموزشی مرتبط با گاپ بر آموزش و سوادآموزی به زبان ترکی تمرکز خواهند کرد و به‌طور بالقوه هدف دولت‌گرایانه را درازمدت برای اکثریت ترک زبان محقق می‌کند. به‌طور مشابه، هدف گاپ شامل بهبود استانداردهای زندگی در مناطق روستایی با هدف متعاقب تشویق رشد شهری و صنعتی و سرمایه‌گذاری در منطقه است. این اهداف نتیجه‌ی احتمالی کاهش تمرکز منطقه‌ای کردها، تضعیف هرگونه ادعای آینده در مورد خودمختاری یا حقوق ارضی کردها خواهد بود. در همین راستا، هیلل ۱۹۹۴ خاطرنشان می‌کند که برنامه‌های گاپ توسط برخی به عنوان تهاجم و «استعمار» به میهن‌های کردی تعبیر شده است که اقدامات بیشتر از سوی دولت ترکیه برای انکار خودمختاری کردها است. در نتیجه، تهدیدات پ.ک.ک برای تخریب سدها و کارهای آبیاری را شاهدیم، زیرا این باور به منزله‌ی دزدی آب‌های کردی است. (Beschorner 1992) پاسخ‌های متنوع و متضاد منافع مختلف نشان می‌دهد که پروژه‌ی گاپ احتمالاً تا چه اندازه اثرات پیچیده و متناقضی برای آینده مناقشه کردها خواهد داشت (harres, 2002:753). زیرا در برابر همه‌ی این اهداف امنیتی و سیاسی که گفته شد، درواقع ظواهر امر نشان از ناراضی بودن این جمعیت را می‌دهد. بنابراین چگونگی رفتار ترک‌ها با کردها در

آغاز شد، پ.ک.ک حملات خشونت‌آمیزی را بر روی سد انجام داد. این حملات چهره‌ای به آرزوهای کردها برای خودمختاری داد. از اوایل دهه‌ی ۱۹۹۰، سدهای گاپ رسماً به ابزاری در "مبارزه با تروریسم" تبدیل شد. مقامات دولتی استدلال کردند که تروریست‌ها دیگر نمی‌توانند به راحتی از یک منطقه به منطقه‌ی دیگر به دلیل سدها عبور کنند و خشونت علیه کردها افزایش یافت (warner, 2012:238). پس از سال‌ها درگیری مسلحانه بین نیروهای امنیتی و حزب کارگران کردستان پ.ک.ک و نقض حقوق بشر در منطقه، در نهایت چندین پست نظامی در اطراف ساخت‌وساز سد ایجاد شد که منجر به نظامی شدن بیشتر منطقه شد (GegenStrömung, 2011:19-20). در نهایت اردوغان در جست‌وجوی راهی برای حل بزرگ‌ترین مسأله امنیتی ترکیه به این نتیجه رسید باید راه حل‌های دیگری غیر از راه حل نظامی را امتحان کند.

ترکیه متوجه شد که این اقدامات خشن، بخش‌های بیشتری از مردم کرد را به سمت افراط‌گرایی بیشتر سوق می‌دهد که شرایط مساعدی را برای پ.ک.ک ایجاد می‌کند تا تعداد زیادی از جوانان خشمگین و شورشی را جذب کند (رابنس، ۱۹۹۳: ۴۵). ترکیه برای مهار وضعیت عقب‌ماندگی اقتصادی و اجتماعی که مناطق کردنشین از آن رنج می‌برند، به سمت توسعه‌ی مناطق کردنشین حرکت کرد، بنابراین پروژه‌ی توسعه‌ی جنوب شرق را که یک پروژه‌ی توسعه‌ی چندهدفه است ارائه کرد. طرح گاپ با هدف تبدیل منطقه‌ی توسعه‌نیافته، وسیع و ناپایدار کردستان علاوه بر انرژی الکتریکی که تولید می‌کند به یک منبع در خاورمیانه تبدیل می‌شود و منطقه‌ی کردستان را به یکی از بزرگ‌ترین کارخانه‌های تولید این انرژی در خاورمیانه تبدیل می‌کند (المجذوب، ۱۹۹۴: ۷۱). ایجاد سدها هزار شغل، مشکل اقلیت کرد را در کشور حل می‌کند و هم‌زمان به توسعه‌ی اقتصادی منطقه‌ای منجر می‌شود و همچنین کردها را مجبور می‌کند تا در مناطق اختصاص‌یافته جابه‌جا شوند و دوباره

کشاورزی تأثیر خواهد گذاشته، کاهش کیفیت محصولات کشاورزی و در نهایت خشک‌سالی دائمی را نیز در پی خواهد داشت. با توجه به اینکه بسیاری از محصولات کشاورزی مصرفی کشور نیز در حوزه‌ی غربی کشور تأمین می‌شود، این عامل خود خطر تهدید امنیت غذایی را برای ایران در پی خواهد داشت. این همان سیاستی است که در آینده به نفع ترکیه و به ضرر ایران می‌شود و همان گونه که ترکیه در نظر داشت کشورش به عنوان سبد تأمین خوراک خاورمیانه تبدیل و ایران نیز به عنوان یک واردکننده‌ی محصولات کشاورزی به ترکیه وابستگی پیدا می‌شود.

از آنجاکه علاوه بر گاپ، ترکیه سدهای دیگری را نیز در دستور کار دارد، مسؤولان ایرانی باید از تجربه‌ی گاپ درس بگیرند. وزیر سابق جنگلداری و امور آب ترکیه اظهار داشته است ترکیه در ۱۸ سال گذشته از سال ۲۰۰۳ تا سال ۲۰۲۰، ۵۸۵ سد بر روی رودخانه‌های کشورش احداث کرده است. یکی از بزرگ‌ترین این سدها بر روی رودخانه‌ی ارس است که ایران در آن به عنوان کشور پایین دست به حساب می‌آید. یکی از اهداف اصلی ترکیه از ساخت سد و نیروگاه برق آبی بزرگ کاراکورت بر روی ارس سد برق آبی ذکر شده است. البته ترکیه علاوه بر سد کاراکورت، دو سد دیگر به نام‌های سویملز و توزلوجا را نیز بر روی بستر اصلی رودخانه‌ی ارس در دست برنامه‌ریزی و اجرا دارد. این پروژه‌ها بر میزان دبی رودخانه ارس و حجم ذخیره‌ی آب تأثیر می‌گذارد و بنابراین مناطق پایین دست یعنی ایران از نظر کشاورزی دچار صدمه می‌گردند و مناطق حاصل‌خیز آن بی‌آب می‌شود (کلانتری و حکمت آرا، ۱۳۹۹: ۱۰-۹). احمد کاظم‌زاده رئیس گروه هیدروپلتیک انجمن ایرانی مطالعات غرب آسیا بیان داشته اجرای پروژه‌ی

منطقه‌ی کردنشین اطراف سد در آینده‌ی سیاسی و امنیتی ترکیه بسیار حائز اهمیت می‌باشد.

۶ تأثیر امنیتی بر ایران

مفهوم امنیت دیگر فقط مربوط به مسائل نظامی نمی‌باشد. مسائلی از جمله سدسازی ترکیه با وجود منافع بی‌شماری که برای این کشور دارد، اما از نظر امنیتی به‌خصوص از زاویه‌ی امنیت محیط زیستی، امنیت غذایی و کشاورزی و همچنین از جنبه‌ی هویتی برای ایران تأثیرات منفی خواهد داشت.

بری بوزان، الی ویور و پاپ دو ویلد که از متفکرین مکتب کپنهاگ به شمار می‌روند، در کتابی با عنوان چهارچوبی تازه برای تحلیل امنیت، ضمن بررسی دقیق مفهوم امنیت، آن را به پنج حوزه طبقه‌بندی کردند که امنیت زیست محیطی یکی از این حوزه‌ها به شمار می‌رود (بوزان و همکاران، ۱۳۸۶: ۱۲۳-۱۲۲).

برای مثال بهره‌برداری از سد ایلیسو (یکی از پروژه‌های سدسازی گاپ) باعث کاهش کیفیت آب رودخانه و به تبع آن اروند رود و کارون می‌شود و نفوذ آب شور خلیج فارس به داخل اروند رود و کارون را افزایش می‌دهد. این موضوع هم بر هزینه‌ی نگهداری آن اثر می‌گذارد هم باعث تغییر خط تالوگ نیز می‌گردد. همچنین کانون‌های ایجاد ریزگرد در ایران که ادعا می‌شد در مناطق شمال غرب عراق در مرز سوریه، غرب عراق در مرز اردن و هور مرکزی عراق واقع شده‌اند، احتمال دارد با تأثیرات منفی ناشی از کاهش آب دریافتی از سدهای گاپ امکان افزایش کانون‌های ایجاد ریزگرد و بیابان‌زایی را افزایش دهند. گرچه ادعا می‌شود هوالعظیم تاکنون منشأ این ریزگردها بوده، اما به نظر می‌رسد تالاب هورالهوریه که از همین سد تغذیه می‌کند نقش مهمی در این زمینه ایفا کرده که برای اثبات آن نیاز به بررسی و مستندسازی بیشتری است (نواری، ۱۳۹۷: ۲۲۸-۲۲۹). این موضوع با خود مشکلات دیگری در پی خواهد داشت. وقتی خشک‌سالی‌های ایجاد شده در عراق و سوریه به ایران برسد این خود علاوه بر ورود ریزگردها به ایران، بر کیفیت زمین‌های

مشکلاتی که برای کردها در ترکیه در اثر سدسازی رخ داده این مشکل برای ایران دو چندان می‌شود. از یک طرف شورش کردها را بیشتر می‌شود و از طرفی پای بازیگران غربی را در میان کردها و تحریک آن‌ها بیشتر می‌کند. خطری که ایران را از این ناحیه تهدید می‌کند. قدرت‌گیری گروه‌های کردی در منطقه‌ی عراق و ترکیه می‌تواند کردهای ایران را تحت تأثیر قرار داده و آرزوی کردستان بزرگ را برای همراهی کردهای ایران داشته باشند و این به شدت برای سیستم امنیتی ایران خطرناک است. همچنین بر اثر سدسازی‌های و ورود ریزگردها باعث خشک‌شدن بسیاری از رودها در ایران می‌گردد و این مناطق درست در جایی است که کردنشینان ایرانی قرار دارند، خشکی و شوری زمین در اثر این فعالیت‌ها مزیت بر علت شده و نارضایتی مردم این ناحیه را دو چندان می‌کند و مهاجرت این گروه از مردم را سبب می‌گردد. همه‌ی این‌ها روی هم رفته به ضرر سیستم امنیتی ایران است.

۷ نتیجه‌گیری

با توجه به تغییر در نظم کنونی جهان و پیچیده‌شدن و شبکه‌ای شدن روابط می‌توان به درک مفیدتری از اهداف ترکیه در طرح سدسازی گاپ پی برد. همان گونه که ذکر شد این کشور با احداث این سدها از بزرگ‌ترین تهدید امنیتی خود یعنی کردها مصون مانده و آن‌ها را کنترل می‌کند و حس هژمونی‌طلبی خود را ارضا می‌کند. در عین حال امنیت غذایی، موقعیت هیدروژئومونیک خود را نیز بالا برد و در عوض کشورهای پایین دست از همین نقاط دچار آسیب می‌گردند. کشوری مانند ایران به دلیل داشتن ژئوپلیتیک مهم باید نگاه وسیع‌تر و جدی‌تری را در این خصوص داشته باشد. از جمله پیشنهاد می‌گردد تا به بحث و بررسی ابعاد این سدسازی‌ها هم در سطح بالادستی و وزارتخانه‌ای و هم در سطح

دپ^۱ (طرح آناتولی شرقی) در مسیر ارس در آغاز راه قرار دارد و درواقع ترکیه تجارب حاصله از گاپ را به داپ منتقل می‌کند و با یک نگاه ساده می‌توان حدس زد همان عواقبی که از اجرای گاپ بر کشورهای پایین‌دست در رودخانه‌های دجله و فرات رقم خورد، دیر یا زود در انتظار کشورهای پایین‌دست رود ارس خواهد بود (خبرگزاری ایلنا، ۱۴۰۱).

همچنین از نظر سیاسی، پویایی سیاسی محیط می‌تواند اشکال مختلفی داشته باشد: اولاً، به دلیل نابرابری‌های ناشی از سیاست، عوامل محیطی می‌توانند تأثیر متفاوتی بر جوامع خاص داشته باشند. ثانیاً، برنامه‌های توسعه‌ی مرتبط با منابع طبیعی مانند آب نیز می‌تواند به عنوان وسیله‌ای برای دست‌یابی به اهداف سیاسی مورد استفاده قرار گیرد. در هر دو شکل می‌توانند در درازمدت باعث ایجاد تعارض شوند یا در پویایی تعارض موجود نقش داشته باشند. گاپ چنین استفاده سیاسی از توسعه‌ی آب را ارائه می‌دهد (Meijer, 2018:11). از یک طرف کردستان یک فضای جغرافیایی است که خود را در انزوای ژئوپلیتیک می‌بیند و هر وقت چنین احساسی به وجود بیاید و هر فضایی خود را محدود ببیند و از سوی همسایگانش مورد تهدید، سعی می‌کند به دنبال یک یار استراتژیک برای خود بگردد و این مسأله در مورد کردها راهی باز می‌کند تا به سوی غرب و امریکا تمایل پیدا کنند و حضور آن‌ها را در منطقه موجب می‌گردد (چگنی‌زاده و آثارتمر، ۱۳۸۸: ۲۱۴). از طرف دیگر پ.ک.ک هدف ایجاد کردستان بزرگ در منطقه‌ی خاورمیانه را دارد. ایده‌ی پان‌کردی پ.ک.ک با هدف ایجاد خودمختاری‌های دمکراتیک و کنفدرالیسم دمکراتیک در جوامع کرد خاورمیانه تهدید امنیتی جدی برای کشورهایی با جمعیت کرد قابل توجه نظیر ایران نیز به شمار می‌رود (تقی لو و خیری، ۱۳۹۹: ۸۰). با توجه به

^۱ پروژه‌ی داپ به مرکزیت شهر ارزروم به عنوان یکی از پروژه‌های توسعه‌ی منطقه‌ای ترکیه در سال ۲۰۱۱ برای توسعه‌ی ۱۵ استان شرقی ترکیه شروع به کار کرده است.

منطقه و بین‌الملل مورد بررسی قرار دهند. همچنین شایسته می‌باشد تا برای تقویت امنیت هویتی بین کردهای منطقه به فرهنگ‌سازی و تقویت حس وطن‌پرستی این اقوام پرداخته شده تا بتوان همچنان از این نیروی قوی برای حفظ و استحکام ملی استفاده و از تحت کنترل قرار گرفتن آن‌ها توسط کشورهای همسایه جلوگیری شود.

دانشگاهی کنفرانس‌هایی برگزار گردد و اقداماتی عملی برای تقسیم منصفانه آب دجله و فرات بین کشورهای هم‌جوار رود انجام گیرد که ایران می‌تواند به عنوان می‌انجی در آن حضور به عمل رساند. کارشناسان محیط‌زیستی و کشاورزی نیز با جمع‌آوری داده‌های مربوط به خشک‌سالی و تأثیرات سدسازی بر زمین‌های قابل کشت در ایران پرداخته و این مسائل را در جلسات محیط زیستی در سطح

منابع

[tr/fa/%D8%A7%D8%AE%D8%A8%D8%A7%D8%B1-](https://www.ana.ir/fa/%D8%A7%D8%AE%D8%A8%D8%A7%D8%B1-)

خبرگزاری ایلنا (۱۴۰۱ / ۱/۳۰) [مؤلفه‌های تأثیرگذار بر](#)

[سیاست آبی ترکیه؛ از گاپ تا داپ/ شمال](#)

[ایران در خطر سدسازی روی ارس](#)، قابل

دسترسی در: <https://www.ilna.>

[news/fa/tiny/news-1219751](https://www.ilna.news/fa/tiny/news-1219751)

ذوالقدر، مالک و رشید کاظمی پیرسرا (۱۳۹۴) «سیاست ترکیه در اقلیم کردستان و آینده‌ی سیاسی عراق»، [فصل‌نامه‌ی پژوهش‌های سیاسی و بین‌الملل](#)، دوره‌ی ۶، شماره‌ی ۲۳: ۱۰۷-۶۹.

سازمند، بهاره (۱۳۹۲) «مکتب کپنهاگ و امنیت زیست محیطی خلیج فارس: واکاوی فعالیت‌های سازمان راپمی»، [مجموعه مقالات نهمین همایش ملی خلیج فارس](#)، دوره‌ی ۹: ۱۷۱-۱۸۸.

طباطبایی، محمد و محمدجواد فتحی (۱۳۹۳) «تحول مفهوم امنیت پس از جنگ سرد بر اساس مکتب کپنهاگ»، [فصل‌نامه‌ی مطالعات راهبردی جهانی شدن](#)، سال ۵، شماره‌ی ۱۴: ۴۲-۷.

کریمی، افشین؛ حسین‌زاده، جواد و زهرا پیشگاهی فرد (۱۳۹۵) «تأثیرات هیدروپلیتیک بر مناسبات عراق و ترکیه با تأکید بر دجله و

ابراهیمی، نبی‌الله (۱۳۸۶) «تأملی بر مبانی و مکتب کپنهاگ»، [فصل‌نامه‌ی سیاست خارجی](#)، سال ۷، شماره‌ی ۲۳: ۴۳۹-۴۵۸.

اسماعیل‌زاده امامقلی، یاسر و حسنعلی احمدی فشارکی (۱۳۹۵) «داعش و امنیت ایران با تکیه بر مکتب کپنهاگ»، [فصل‌نامه‌ی پژوهش‌های راهبردی سیاست](#)، سال ۵، شماره‌ی ۱۸: ۱۴۱-۱۲۳.

بوزان، باری؛ ویور، الی و پاپ دو ویلد (۱۳۸۶) [چارچوبی تازه برای تحلیل امنیت](#)، ترجمه‌ی علیرضا طیب، تهران: پژوهش‌کده‌ی مطالعات راهبردی.

تقی‌لو، فرامرز و مصطفی خیری (۱۳۹۹) «ترکیه، بحران سوریه و سیاست مقابله با ظهور کردستان (۲۰۲۰-۲۰۱۱)»، [پژوهش‌نامه ایرانی سیاست بین‌الملل](#)، سال نهم، شماره‌ی ۱: ۸۴-۵۵.

چگنی‌زاده، غلامعلی و محمد آثارتمر (۱۳۸۸) «تحولات قومی کردها و امنیت ملی ترکیه»، [فصل‌نامه‌ی بین‌المللی روابط خارجی](#)، سال اول، شماره‌ی ۲۱۸: ۲-۱۸۵.

خبرگزاری آنا (۱۳۹۹/۷/۳۱)، امنیت انرژی؛ نگاهی به قدرتهای اقتصادی دنیا و ترکیه، قابل دسترسی در:

<https://www.aa.com.>

مرادی طادی، محمدرضا (۱۳۹۶) «آب و سیاست؛ نگاهی به فرآیند سیاسی شدن آب»، **فصلنامه‌ی مطالعات میان رشته‌ای در علوم انسانی**، شماره ۹، دوره ۴: ۷۱-۹۰.

نصری، قدیر (۱۳۸۱) «مکتب کپنهاک، مبانی نظری و موازین علمی»، **فصلنامه‌ی مطالعات دفاع امنیتی**، سال نهم، شماره ۳۳: ۳۳-۵۸.

نواری، علی (۱۳۹۷) «ساخت و راه‌اندازی سد ایلیسو در ترکیه و پدیده‌ی ریزگردها در ایران: اولویت اصول مرتبط با حقوق بین‌الملل محیط زیست»، **فصلنامه‌ی مطالعات حقوقی**، دوره ۱۰، شماره ۴: ۲۶۱-۲۱۹.

فرات»، **فصلنامه‌ی مطالعات سیاسی جهان اسلام**، سال پنجم، شماره ۱۷: ۵۱-۲۹.

کلانتری، جلال و حامد حکمت آرا (۱۳۹۹) «بررسی هیدروپلیتیکی سدسازی‌های ترکیه در حوضه ارس»، **مقاله‌ی نهمین همایش ملی سامانه‌های سطوح آبگیر باران**.

محمدی خسروی، اعظم؛ شاهنده، بهزاد؛ اطهری، سید اسدالله و داوود هرمیداس باوند (۱۳۹۹) «پروژه‌ی آناتولی جنوب شرقی در بستر بحران هویت ملی ترکیه»، **فصلنامه‌ی سیاست خارجی**، دوره ۱۱، شماره ۲: ۸۵-۱۱۶.

Al-Ansari, N (2013), Management of water resources in Iraq: perspectives and prognoses. *Engineering* 5(6), 667-684.

Al-Ansari, N., Ammar, A. A. and Knutsson, S. (2015) Iraq Water Resources Planning, Perspectives and Prognoses. *International Conference on Civil and Construction Engineering*, Jeddah, 26-27 January 2015, 32 p .

Bilgen, Arda(2018), Turkey's Southeastern Anatolia Project (GAP): A qualitative review of the literature, *British Journal of Middle Eastern Studies*, 47(7): 652-671.

[Beschorner, Natasha](#)(1992), Water and instability in the Middle East / Natasha Beschorner, London: The International Institute for Strategic Studies .

[Busch](#), Clare (2021), Will Turkey's thirst for dam building add an element of combustibility to a regional water crisis? *Equal Times*:

<https://www.equaltimes.org/will-turkey-s-thirst-for-dam>.

Daoudy, M. (2009) 'Asymmetric Power: Negotiating Water in the Euphrates and Tigris', *International Negotiation* 14(2): 361-91.

DSI (2018) 'Ilisu Barajı'nın Yapım Hikayesi' ['The Construction Story of the Ilisu Dam']. Devlet Su İşleri (State Hydraulic Works). www.youtube.com/watch?v=9TheIjxEb04&list=PLa_5oPuJqNWQKPO3ZzkO_wSXsmpgtgukh (accessed 14 June 2021 .)

International Energy Agency, Turkey 2021 Energy Policy Review (IEA)(2021), Turkey 2021, https://iea.blob.core.windows.net/assets/cc499a7b-b72a-466c-88de-d792a9daff44/Turkey_2021_Energy_Policy_Review.pdf.

Islar, M. (2012) 'Struggles for Recognition: Privatisation of Water Use Rights of

- Turkish Rivers', *Local Environment* 17(3): 317-32.
- GegenStrömung, countercurrent(2011), Dam construction in Turkey and its impact on economic, cultural and social rights, Submission to the UN Committee on Economic, Social and Cultural Rights for its 46th Session. .
- HARRIS, LEILA M. (2002), Water and Conflict Geographies of the Southeastern Anatolia Project, Society and Natural Resources, Volume 15, 2002 - Issue 8, Pages 743-759.
- Kibaroglu, A. and S. Gürsoy (2015) 'Water-Energy-Food Nexus in a Transboundary Context: The Euphrates-Tigris River Basin as a Case Study', *Water International* 40(5-6): 824-838.
- Kibaroglu, A (2017) 'State-of-the-art Review of Transboundary Water Governance in the Euphrates-Tigris River Basin', *International Journal of Water Resources Development*, 35(1): 4-29.
- Murray Li, Tanya (2007), *The Will to Improve: Governmentality, Development, and the Practice of Politics*, Duke University Press, Durham, NC .
- Meijer, Laura (2018), The Southeastern Anatolia Project (GAP): water, counterinsurgency, and conflict", Course "Food Security in International Politics: The Middle East and Africa", sciences po, kumait program .
- Nomikos, John M, (2016), THE DAMS WAR. RESEARCH INSTITUTE FOR EUROPEAN AND AMERICAN STUDIES (RIEAS), Greece, Greece, No. 172.
- Oktav, [Akn](#) (2017), The effects of secondary components on the interior noise characteristics of automobiles, *Journal of Vibroengineering*,19(6) .(
- Özkaynak, B, E. Turhan and C. I. Aydın (2020) 'The Politics of Energy in Turkey: Running Engines on Geopolitical, Discursive and Coercive Power', in G. M. Tezcür (ed.) *Oxford Handbook of Turkish Politics*. Oxford: Oxford University Press (online).
oxfordhb/9780190064891.013.29.
<https://doi.org/10.1093/>
- Scheumann, W (1998). Conflicts on the Euphrates: An analysis of water and non-water issues. In W. Scheumann & M. Schiffler (Eds.), *Water in the Middle East* (pp. 31-45). Berlin: Springer .
- Tezcür, Murat Schiel, Rebecca and Bruce M. Wilson (2021), The Effectiveness of Harnessing Human Rights: The Struggle over the Ilisu Dam in Turkey, development and change, Volume 52, Issue 6, Pages 1343-1369.
- Warner, Jeroen (2012), The struggle over Turkey's Ilisu Dam: domestic and international security linkages, *Int Environ Agreements, International Environmental Agreements: Politics, Law and Economics* volume 12, pages 231-250.
- Yu, Winston, World Bank; William Rex, Matthew McCartney, Stefan Uhlenbrook, Rachel von; and Jerome Priscoli(2021), Storing

water: A new integrated approach for resilient development, Global Water Partnership, international water management institute,

<https://www.gwp.org/globalassets/global/toolbox/publications/perspective-papers/perspectives-paper-on-water-storage.pdf>.

منابع عربی

الاستاذ الدكتور محمد حمد القطاطشة.
جامعة الشرق الأوسط.

عبيد حداد، د. حامد (۲۰۱۲)، «مشاريع المائيه التركيه في حوضى دجله و الفرات، الاهداف و النوايا»، *مركز الدراسات الدوليه*، جامعه بغداد، المجلد ۱۸، العدد ۶۵.

على عبد الحسين عبد الله، أ. م. د (۲۰۱۶)، «الفرص الضائعة أمام العراق فى مياه دجلة والفرات»، *الجامعة المستنصرية كلية العلوم السياسية*، عدد ۳۰.

محمد طه السوئداني، د. حامد (۲۰۱۱)، العلاقات العراقيه-التركيه العمق التاريخى و اليات تفعيل التواصل، جامعه الموصل، مركز الدراسات الاقليميه.

المجذوب، طارق (۲۰۱۲)، *تأثير المياه فى العلاقات بين تركيا وجوارها العربى*، فى: نور الدين، محمد تقديم العرب و تركيا تحديات الحاضر ورهانات المستقبل، الدوحة، المركز العربى للأبحاث ودراسة السياسات.

حبيب راضى طلفاح الدليمى، جواد على فلاح و ناصر والى فريح (۲۰۰۸)، «الاهميه الجيوبوليتيكيه للمشاريع المائيه التركيه فى أعلى حوض نهر دجله و تأثيرها فى الامن المائى العراق»، مجلة واسط للعلوم الانسانية، المجلد ۸، العدد ۷. ص ۳۳-۹.

زكريا، محمد (۲۰۱۹)، مشروع غاب التركى و تأثيره على الموارد المائية والواقع البيئى فى العراق،

<https://www.politics-dz.com/%D9%85%D8%B4%D8%B1%D9%88%D8%B9-%D8%BA%D8%A7%D8%A8-%D8%A7%D9%84%D8%AA%D8%B1%D9%83%D9%8A-%D9%88/>

روبنس، فيليب (۱۹۹۳)، *تركيا والشرط الأوسط*، بيروت، ترجمة: مى خوائل نجم خورى، دار قرطبة للنشر والتوثيق والأبحاث.

عبد الكريم محمد، فرح (۲۰۱۴)، «النزاع على المياه بين العراق و تركيا، ۲۰۰۳-۲۰۱۴»، رسالة مقدمة لاستكمال متطلبات الحصول على درجة الماجستير فى العلوم السياسية،